

تحلیل و مقایسه طرحواره‌های حجمی و قدرتی قرآن در حدیقه‌الحقیقه سنایی و تمهیدات عین‌القضات همدانی

زهرا علی پور

دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

از آنجا که در اسلام هر گروه برای اثبات عقاید خود از قرآن بهره می‌گیرد، عرفا نیز خوانش خاص خود را از قرآن دارند. حدیقه و تمهیدات، تفسیر قرآن نیستند؛ اما نوع نگاه خاصی به قرآن دارند که برای بیان آن از زبان استفاده می‌کنند. بر اساس زبان‌شناسی شناختی، آنچه امکان کسب تجارب فکری جدید و بیان آن‌ها را به انسان می‌دهد، بهره‌گیری از الگوی تجارب بدنمند است؛ بنابراین بهره‌گیری از طرحواره‌ها در آثار عرفانی اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر با استخراج و تحلیل طرحواره‌های قدرتی و حجمی، ارتباط بین این طرحواره‌ها و دیدگاه دو عارف را در ارتباط با مقوله‌ی قرآن بررسی می‌کند. از آنجا که عرفا همیشه نگاه خاص و متفاوتی به امور دارند، در زمینه بهره‌گیری طرحواره‌ها نیز نوآوری‌هایی دارند؛ در دو اثر مورد بررسی به سه طرحواره جدید از انواع فرعی طرحواره‌های قدرتی و حجمی دست یافتیم که شامل طرحواره‌های «ظرف‌های کوچکتر از مظروف»، «ظرف‌های مانع شونده» و «موانع چند لایه» است.



کلیدواژه: حدیقه‌الحقیقه، تمهیدات، قرآن، طرحواره‌ی قدرتی، طرحواره‌ی حجمی

مقدمه

پیتر ورنفلس، دانشمند علم‌الهیات و از پیروان کلیسای جدید، در مورد کتاب مقدس می‌گوید: «هر انسانی عقاید خود را در کتاب مقدس می‌یابد، خصوصاً آنجا که در پی عقاید ویژه و مخصوصی است». این سخن ورنفلس درباره قرآن نیز صادق است؛ در اسلام هر جریان فکری، خواهان آن است که عقاید خود را با قرآن تطبیق دهد و طوری وانمود کند که سخن او موافق قرآن و سخن پیامبر است (گلدزیهر، ۱۳۸۸: ۲۹). به همین دلیل در طول تاریخ تفسیرهای مختلفی از قرآن شکل گرفته و امکان خوانش‌های مختلفی از قرآن وجود داشته‌است. قرائت عرفانی از قرآن، یکی از این خوانش‌هاست. عرفا در دوران مختلف قرائت‌های متفاوت و خاصی از قرآن داشته‌اند. تفاوت در نوع عرفان نیز، باعث تفاوت در نوع بهره‌گیری از قرآن خواهد شد. با عنایت به این‌که عین‌القضات همدانی متعلق به کانون عرفانی مرکز ایران است و سنایی در کانون شرق ایران می‌زید و نیز با توجه به این‌که اولی عارفی رادیکال است که جان بر سر کلام آتشین خویش نهاد و دومی عارفی میانه‌رو که در منظومه‌اش تا حدود بسیار زیادی به ظاهر شریعت پای‌بند است، دیدگاه‌های آن‌ها درباره قرآن تفاوت و تشابه‌هایی دارد. تمهیدات و حدیقه در زائر تفسیر قرآن نیستند؛ اما از آنجا که قرآن یکی از منابع مهم معرفتی در عرفان است در دو کتاب دیدگاه‌های خاصی در مورد قرآن مطرح شده است.

استفاده از نظریه طرحواره‌ها برای تحقیق در آثار عرفانی در زبان فارسی سابقه چندانی ندارد، به طوری که قدیمی‌ترین آن‌ها به آغاز دهه نود برمی‌گردد. طاهری (۱۳۹۰) بر اساس طرحواره‌ی حجمی، مکان‌واره‌هایی را که به واسطه حضور نور تبدیل به معبد می‌شوند، بررسی کرده‌است. همین نویسنده چند سال بعد (۱۳۹۳)، با تمرکز بر روی طرحواره‌های حرکتی به سراغ منطق‌الطیر رفته و پس از او، محراب‌کالی (۱۳۹۳) تحلیل طرحواره‌ها را راهکار مناسبی یافته برای مقایسه بخشی از غزلیات سعدی و حافظ. یک‌سال بعد، کاظمی (۱۳۹۴) با مبنا قرار دادن

^۱ گلدزیهر در بخش چهارم کتاب «گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان» به بررسی چگونگی تفسیر قرآن در تصوف اسلامی پرداخته‌است.

طرح‌واره‌های حجمی، قدرتی و حرکتی به سراغ غزلیات سنایی رفته و سعی کرده علل روی آوردن وی را به عرفان توضیح دهد.

در ارتباط با بحث قرآن در تمهیدات چندین پایان‌نامه و مقاله تالیف شده است. رقیه مهرفرزی در سال ۱۳۹۲ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «کارنامه قرآنی عین‌القضات» به بررسی تأثیرپذیری عین‌القضات از قرآن پرداخته است. پس از او خاتون میرزایی در سال ۱۳۹۴ در قالب مقاله شیوه‌های به کارگیری آیات در تمهیدات را بررسی کرده است. عرب و مدرس‌سی نیز در سال ۱۳۹۰ مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه قرآن و تاویل آن در تمهیدات عین‌القضات» به این بحث پرداخته‌اند.

چندین مقاله و پایان‌نامه نیز به بررسی نوع نگاه و به کارگیری آیات و مضامین قرآنی در حدیقه پرداخته‌اند: عابدیان و قرایی در سال ۱۳۷۸ تأثیر قرآن را در حدیقه بر اساس صنایع لفظی و اهداف معنایی بررسی کرده‌اند. در سال ۱۳۸۸ خسروی در مقاله‌ای به تأثیر قرآن و حدیث در حدیقه سنایی پرداخته است. لاری زاده و باقری فرد نیز در سال ۱۳۹۵ مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاویل و سطوح مختلف آن در حدیقه سنایی» تالیف کرده‌اند تا به بررسی انواع تاویل در حدیقه و تقسیم‌بندی مناسب با توجه به شواهد مستخرج از آن پردازند.

با وجود اینکه در مورد چگونگی بهره‌گیری عین‌القضات و سنایی از قرآن تحقیقات متفاوتی صورت گرفته است؛ اما هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به بررسی طرحواره‌ها یا ارتباط نوع بهره‌گیری از آن‌ها با دیدگاه دو عارف در مورد قرآن نپرداخته‌اند و این پژوهش برای نخستین بار به این مسأله می‌پردازد. از سوی دیگر هیچ‌کدام از این مقالات، نوع نگاه سنایی و عین‌القضات به قرآن را با هم بررسی نکرده‌اند.

یکی از قانده‌های کلی عرفان این است که همیشه باید در جستجوی باطن امور و مقوله‌ها بود؛ به همین دلیل عرفا خواهان فراتر رفتن از ظاهر قرآن و رسیدن به باطن آن هستند. این اندیشه از طرفی ریشه در آیات و روایات و از طرف دیگر ریشه در فقه اشعری دارد. قرآن هر چند آشکارا درباره‌ی ظاهر و باطن سخن نمی‌گوید؛ اما در آیات بسیاری (از جمله: نسا: ۸۲، محمد: ۲۴، نحل: ۴۴) همه را به تفکر و تدبیر در قرآن توصیه می‌کند. تفکر در قرآن بدون وجود لایه‌های پنهان امکان‌پذیر نیست. همچنین در چندین روایت به باطن قرآن اشاره شده است؛ برای نمونه پیامبر می‌فرماید: له ظهر و باطن، فظاهره حکم و باطنه علم، فظاهره انیق و باطنه عمیق.^۱ (کلانتری به نقل از کلینی، ۱۳۸۲: ۲۵۳) فقه اشعری نیز با تفاوت قائل شدن بین کلام نفسی و لفظی، بر قداست باطن قرآن تأکید می‌کند. (احمدی، ۱۳۹۰) بنابراین عرفا خواهان فراتر رفتن از ظاهر قرآن و رسیدن به باطن قرآن هستند؛ به همین دلیل توجه به ظاهر قرآن را مانع می‌دانند؛ اما این مانع فیزیکی نیست بلکه انتزاعی است. بر اساس نظریه طرحواره‌های تصویری عارف هنگامی که می‌خواهد از موانع انتزاعی سخن بگوید، از تجارب بدنمند^۲ خود در ارتباط با مواجه شدن با موانع فیزیکی استفاده می‌کند؛ یعنی عارف از مواجه شدن با موانع فیزیکی تجربه‌ای دارد که در هنگام مواجه شدن با موانع انتزاعی ظاهر از طرحواره قدرتی استفاده می‌کند. بنابراین هر گاه از موانع انتزاعی سخن گفته می‌شود از الگویی استفاده می‌شود که حاصل تجارب بدنمند است. به این الگو، طرحواره تصویری از نوع قدرتی می‌گویند.

از طرف دیگر، عرفا معرفت را در قرآن می‌بینند. برای آنها قرآن ظرف است و عقاید آنها مظروف. آنها از تجربه بدنمند خود در مواجهه با حجم‌ها برای بیان امور انتزاعی استفاده می‌کنند. در ادامه این دو طرحواره را بیشتر معرفی می‌کنیم. فرض ما این است که با بررسی دو طرحواره حجمی و قدرتی بتوانیم نگاه هر دو عارف را به قرآن تحلیل و بررسی کنیم.

^۱ - ترجمه حدیث: برای قرآن ظاهری و باطنی وجود دارد. ظاهرش حکم و باطنش دانش است. ظاهرش زیبا و باطنش ژرف است.

^۲ - embodied

مبانی نظری

بعضی محققان همچون ایوان و گرین، زبان شناسی شناختی را یکی از مدرن‌ترین و مهیج‌ترین حوزه‌ها برای مطالعات بین رشته‌ای مربوط به زبان و اندیشه می‌دانند (ایوان و گرین، ۲۰۰۶: ۱). بر اساس نظریات علوم شناختی، ما انسان‌ها جانوران عاقل هستیم و عقلانیت ما نیز جسمانی است. این جسمانی بودن بر تولید معنی و بیان ما، فهم تجربیات و استدلال‌های ما تاثیر می‌گذارد. (لیکاف و جانسون، ۲۰۱۳: ۲۱) استعاره‌ی مفهومی این امکان را فراهم می‌آورد تا تصاویر حوزه‌ی حسی - حرکتی برای حوزه‌های تجربه‌های ذهنی به کار برده شود. استعاره‌ها خود در یک قلمرو پایه‌ای‌تر به نام طرحواره‌های تصویری بنا شده‌اند. بر این اساس اگر بخواهیم معنایی انتزاعی را بیان کنیم، از تجارب بدنمند و پیش مفهومی استفاده می‌کنیم. طرح‌واره‌های تصویری همان ساختارهای دانش هستند که مستقیماً از تجربه بدنمند و پیش مفهومی تکوین می‌یابند. از نظر لیکاف و سایر معنا شناسان شناختی، سنگ بنای ساختار مفهومی، طرح‌واره تصویری است و تمام اندیشه بشر نهایتاً در قلمروهای پایه‌ای به نام طرحواره‌های تصویری زمینه سازی می‌شوند. در یک تعریف کلی باید گفت: هر طرح‌واره یک الگوی تکرارشونده و پویاست که برآیند تعامل فرد با هستی است (رنر و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۵).

یکی از انواع طرح‌واره‌ها، که امکان گسترش تجربه‌های حسی - حرکتی ما را برای ارتقاء شناخت فراهم می‌آورند (جانسون، ۲۰۱۳: ۲۵۹)، طرح‌واره‌های قدرتی^۱ هستند. ذهن ما در مواجهه با موانع فیزیکی، تجاربی به دست می‌آورد که از آن‌ها در حل مسایل انتزاعی و مجرد بهره می‌برد. این لحظه‌ای است که طرح‌واره‌های قدرتی در ذهن شکل می‌گیرد. مثلاً وقتی می‌گوییم «مشکلات مالی مانع ادامه تحصیل من شد»، ذهن ما از تجربه «مواجهه با مانع مادی» نظیر دیوار بهره برده و عدم امکان تحصیل را با استفاده از آن تقریر کرده‌است (صغوی، ۱۳۸۳: ۳۷۵).

علمای شناختی طرح‌واره‌های قدرتی را به سه نوع تقسیم کرده‌اند: نخست، آن‌که در مسیر حرکت سدی به وجود آید و مانع ادامه مسیر شود. هنگامی که می‌گوییم: «گرفتار مشکلی شده‌ام که نه راه پیش دارم و نه پس»، از طرح‌واره‌ی قدرتی نوع اول استفاده کرده‌ایم (همان: ۳۷۶). دوم، آن‌که در مسیر حرکت سدی وجود داشته باشد. اگر در چنین وضعیتی قرار بگیریم یا مسیر خود را تغییر می‌دهیم یا این‌که آن را دور می‌زنیم و یا این‌که با قدرت از درون مانع عبور می‌کنیم (همان: ۳۷۷). سوم، این‌که انسان سدی مذکور را از مسیر حرکت بردارد و به حرکت خود ادامه دهد؛ برای نمونه وقتی می‌گوییم: «هر جور شده باید این مشکل را از سر راهت برداری» از طرح‌واره‌ی قدرتی نوع سوم بهره‌برده‌ایم (همان: ۳۷۷).

دومین طرح‌واره‌ای که مبنای تحلیل ما خواهد بود، طرح‌واره حجمی است. این طرح‌واره نتیجه‌ی تجربه‌ی بدنی برخوردار ما با مرزبندی و حد و مرز است که از نخستین روزهای زندگی با آن مواجه هستیم؛ برای نمونه مستقیماً از بدن‌های خود به مثابه ظرف‌های سه بعدی آگاه می‌شویم؛ ظرفی که چیزهای معینی داخل آن می‌ریزیم (غذا، آب و هوا) و چیزهای معینی را از داخل آن خارج می‌کنیم. به اتاق‌ها داخل یا خارج می‌شویم، به داخل لباس‌ها می‌رویم یا از آن خارج می‌شویم و انواع بی‌شماری از فضاها محدود. لیکاف و جانسون نمونه‌های زیر را طرح‌واره‌ی حجمی می‌دانند.

- 1- we are out of trouble now.
- 2- He fall into a depresshin
- 3- He is in love

در این موارد «مشکل»، «افسردگی» و «عشق» قلمرو مقصد هستند و قلمرو مبدا آنها ظرف است. (ایوان و گرین، ۲۰۰۶: ۱۵۸). در این نمونه‌ها «into»، «in» نشان کاربرد طرح‌واره‌ی قدرتی هستند. در زبان فارسی نیز، حرف اضافه‌ی «در»، «بیرون» و «داخل» نشان کاربرد طرح‌واره‌ی حجمی است. طرح‌واره حجمی ۷ پیامد مهم دارد که در تحلیل‌های ما مورد توجه خواهد بود.

^۱ Force schema

- ۱- تجربه مرزبندی شامل محافظت از یا محافظت در برابر نیروهای خارجی است؛ برای نمونه وقتی عینک‌ها داخل جا عینکی هستند، از تاثیر نیروهای خارجی در امان هستند. (جانسون: ۱۳۹۷: ۷۴)
- ۲- هر جا ظرف وجود دارد، نیروهایی وجود دارد که مرز یا دیوارهای ظرف آن را محدود و مقید می‌کند. وقتی جسمی از ظرف خارج می‌شود، دیگر تحت تاثیر آن نیروها نخواهد بود. حرکت به خارج مستلزم برجسته یا آشکارسازی استعاری است. آنچه محدود و مقید است ممکن است از نظر ما پنهان، ناشناخته و دسترس ناپذیر باشد یا توجه ما را به خود جلب نکند؛ اما خارج شدن آن موجب آشکار شدن، شناخته شدن و دسترس پذیر بودن آن می‌شود و توجه ما را به خود جلب می‌کند. (همان: ۹۲)
- ۳- به دلیل مقید بودن نیروها جسم داخل مرزبندی از لحاظ محل ثبات نسبی پیدا می‌کند؛ ماهی داخل تنگ گذاشته و فنجان در دست نگه داشته می‌شود. (همان: ۷۴)
- ۴- ثبات نسبی محل در داخل ظرف بر دسترس پذیری و قابلیت مشاهده شدن آن تاثیر می‌گذارد. (همانجا)
- ۵- پنجمین پیامد طرحواره حجمی تعدی است؛ برای نمونه اگر «ب» در داخل «الف» باشد آن گاه هر چه در داخل «ب» باشد در داخل «الف» هم هست؛ اگر در رختخواب باشم و رختخوابم در اتاق باشد من داخل اتاق هستم. (همانجا)
- ۶- طرحواره‌ی ظرف، دارای سه ساختار است: داخل، مرز و خارج. یعنی همانگونه که حجم‌ها و ظرف‌های فیزیکی داخل، مرز و خارج دارند، برای مقوله‌های انتزاعی همچون عشق نیز داخل، مرز و خارج قائل می‌شویم. (همانجا) همچنین هر چه را داخل مقوله باشد داخل ظرف مناسب می‌دانیم و نفی یک چیز به صورت چیزی خارج از مقوله تعبیر و تفسیر می‌شود.
- ۷- از ماهیت طرح‌واره‌ی ظرف نتیجه می‌شود که اگر مقوله‌ها را به زبان استعاری ظرف می‌دانیم، آنگاه می‌توانیم ادعا کنیم که هر چیزی یا در داخل ظرف است یا خارج از آن. در منطق به این گفته «قانون حد وسط مردود» می‌گویند یعنی امکان سوّمی بین داشتن یک ویژگی (یعنی در داخل مقوله) و نداشتن آن ویژگی (یعنی خارج از مقوله) وجود ندارد. (همان: ۹۷)
- این الگوهای استنباطی حاصل تجربه‌ی بدنی ما با ظرف است. کاربرد آن‌ها در استدلال انتزاعی موضوع نگاشت‌های استعاری بر روی طرح‌واره‌ی ظرف است که در آن ساختار استنباطی توسط نگاشت‌های استعاری حفظ می‌شود. (همان: ۹۸)

www.anjomanfarsi.ir

۱. طرحواره قدرتی در تمهیدات و حدیقه

دریافتیم که در نگاه عرفا توجه به ظاهر قرآن عارف را از رسیدن به حقیقت قرآن باز می‌دارد. در دیدگاه شناختی آنچه به عارف امکان می‌دهد در مورد مانع شدن و بازداشتن فکر کند و سخن بگوید تجارب بدنمند او در مواجهه با موانع فیزیکی است. این تجارب بدنمند باعث شکل‌گیری طرحواره‌ای به نام طرحواره‌ی قدرتی شده‌اند؛ بنابراین ما گزاره‌ای انتزاعی داریم: «لایه‌های ظاهری تر قرآن مانع درک حقیقت قرآن و لایه‌های عمیق تر آن هستند.» آنچه به ما امکان تفکر و سخن گفتن در این مورد را به ما می‌دهد این گزاره است: «لایه‌های ظاهری قرآن موانع فیزیکی هستند.» نحوه‌ی برخورد، تفکر و سخن گفتن ما از این گزاره‌ی انتزاعی تابعی از تجربه‌ی ما در برخورد با موانع فیزیکی است.

در حوزه‌ی تجارب بدنمند، وقتی مانعی را وضع می‌کنیم هدفی داریم؛ برای نمونه برای جلوگیری از سقوط نوزاد، نرده‌هایی دور تخت خواب کودک کشیده می‌شود. همین تجربه باعث می‌شود سنایی و عین‌القضات برای وجود موانع ظاهری قرآن هدفی در نظر بگیرند. از نظر سنایی و عین‌القضات علت وجود این موانع، جلوگیری از ورود نامحرمان به قلمرو حقیقت قرآن است. خداوند حروف را نقاب قرار می‌دهد تا نامحرمان از دیدن باطن قرآن دور بمانند.

- بهر نامحرمان به پیش جمال بسته از مشک، پرده‌های دلال (حدیقه: ۱۸۸۳)
- زنه‌ار این گمان مبر که قرآن، هیچ نامحرمی را هرگز قبول کند، و با وی سخن گوید؛ قرآن غمزه جمال خود با دلی زند که اهل باشد. (تمهیدات: ۱۷۶)

قرینه‌هایی که پی می‌بریم سنایی با طرحواره قدرتی در مورد حقیقت قرآن سخن می‌گوید به دو دسته قرینه‌های فعلی و اسمی تقسیم می‌شود. فعل‌هایی چون «برهی»، «بیرون آی» و «دست بدار» نشان وجود طرحواره قدرتی در ابیات است. قرینه‌های اسمی، همان استعاره‌هایی هستند که زیربنای طرحواره‌ی قدرتی دارند: سنایی از استعاره‌های «حجاب»، «نقاب»، «پرده»، «بند»، «لباس»، «صدف»، «ظرف»، «نقش نرگس»، «گردو»، «پنجره» و «کف» برای اشاره به الفاظ قرآن استفاده می‌کند؛ تمام این استعاره‌ها بر اساس طرحواره‌ی قدرتی ساخته شده‌اند.

در تمهیدات نیز همچون حدیقه، قرینه‌های فعلی و اسمی ما را به شناخت طرحواره‌های قدرتی می‌رساند. فعل‌های «نمی‌گذارد»، «به در آی» و «خلاصی یابی» و استعاره‌هایی چون «حجاب»، «پرده» و «برقع» نشان‌دهنده‌ی کاربرد طرحواره‌ی قدرتی در تمهیدات است.

۱-۱ طرحواره تغییر مسیر

اولین تجلی تجارب بدنمند در برخورد با مانع ظاهر قرآن، استفاده از طرحواره‌ی تغییر مسیر است. عارف با مانع ظاهر قرآن برخورد می‌کند و توانایی عبور از آن را ندارد. به همین دلیل باید تغییر مسیر بدهد و با ورود به راه عرفان و تزکیه وارد قلمرو فهم قرآن شود. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از کاربرد این نوع طرحواره در حدیقه و سپس تمهیدات می‌پردازیم.

قول باری شنو هم از باری که حجاب است صنعت قاری (حدیقه: ۲۰۵۵)

کاربرد کلمه‌ی «حجاب» در بیت بالا، نشانگر طرحواره‌ی قدرتی در بیت است. صنعت قاریان حجاب است؛ اما عارف تغییر مسیر می‌دهد و با جان دل یا کشف و شهود قرآن را از خود خدا می‌شنود.

چون ببینند مر تو را بی عیب روی پوشیدگان عالم غیب

مر تو را در سرای غیب آرند پرده از پیش روی بردارند - دی ۱۳۹۹
(حدیقه: ۱۹۴۱)

در اینجا، عارف با مانع حروف رو به رو می‌شود و نمی‌تواند مانع را از میان بردارد؛ بنابراین مسیر خود را تغییر می‌دهد و از راه تزکیه، حجاب‌ها را از پیش روی برمی‌دارد.

مرد دانا به جان سماع کند حرف و ظرفش همه وداع کند

(حدیقه: ۲۰۸۲-۲۰۸۳)

حرف و ظرف در این بیت استعاره از حروف قرآن و موانعی هستند که عارف باید همه‌ی آن‌ها را رها کند و از راه جان، معانی آن را بفهمد. بنابراین در این بیت هم با طرحواره‌ی قدرتی تغییر مسیر مواجه هستیم.

پاک شو تا معانی مکنون آید از پنجره حروف برون

تا برون ناید از حدث انسان کی برون آید از حروف قرآن

(حدیقه: ۱۹۶۱)

در اینجا نیز عارف در درک معنی قرآن به مانع لفظ برخورد می‌کند. اما مسیر خود را تغییر می‌دهد و از راه پاک شدن معانی قرآن را می‌فهمد.

در تمهیدات نیز کاربرد این طرحواره را می‌بینیم: افراد به مانع حروف برخورد می‌کنند و نمی‌توانند مانع را از راه خویش بردارند اما تغییر مسیر می‌دهند و وارد دنیای سیر و سلوک می‌شوند و با محو انانیت، معنا را می‌فهمند.

- دریغا ما از قرآن جز حروف سیاه و سپیدی کاغذ نمی‌بینیم! چون در وجود باشی، جز سواد و بیاض نتوانی دیدن؛ چون از وجود بدر آمدی، کلام الله ترا در وجود خود محو کند: آنگاه ترا از محو باثبات رساند؛ چون باثبات رسی، دیگر سواد نبینی همه بیاض بینی. (تمهیدات: ۱۷۲)

۲-۱ طرحواره عبور از موانع چند لایه

جانسون اشاره‌ای به طرحواره‌ی قدرتی از نوع موانع چند لایه نکرده‌است، اما با بررسی طرحواره قدرتی در تمهیدات و حدیقه پی بردیم که طرحواره‌ی که نام آن را «طرحواره‌ی موانع چند لایه» نهاده‌ایم، در این دو اثر وجود دارد. تجربه‌ی بدنمند عبور از میان موانع چند لایه به عارف این امکان را می‌دهد که برای قرآن نیز لایه‌های مختلف معنایی در نظر بگیرد و آن را دارای بطن‌های مختلف بداند. بسیاری از عرفا قرآن را دارای بطن‌های مختلف می‌دانند که هر بطن برای بطن بعدی حجاب است. عارف برای رسیدن به فهم قرآن باید این موانع را از راه خود بردارد. سنایی و عین القضات نیز به چند لایه‌های بودن مفاهیم قرآن معتقد هستند. سنایی با استفاده از تجاربی که عارف در ارتباط با گردو دارد، به بیان بطن‌های مختلف قرآن پرداخته‌است. پنجمین منزل در این ابیات، روغن گردو است که استعاره از حقیقت قرآن است.

اولین پوست، زفت و تلخ بود	دومین، چون ز ماه، سلخ بود
سومین، از حریر زرد تنک	چارمین، مغز آبدار خنک
پنجمین منزل است خانه تو	سنت انبیا ستانه تو
چون ز پنجم روان بیارایی	پس به اول چرا فرو آیی

(حدیقه: ۱۸۸۳-۱۸۹۵)

در تمهیدات نیز عین‌القضات، قرآن را به پیروی حدیثی از پیامبر دارای هفت بطن می‌داند «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَ وَ لَبْطَنَهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» و در جایی دیگر می‌گوید قرآن در هزاران حجاب قرار گرفته‌است و عارف بسته به مقام عرفانی خود حجاب‌های مختلفی را از پیش روی بر می‌دارد و در هر مقام یک بطن از هزاران بطن بر او آشکار می‌شود.

- جوانمردا قرآن را در چندین هزار حجاب بخلق فرستادند؛ اگر جلالت نقطه بای بسم الله عرش آمدی یا بر آسمانها و زمینها، در حال، پست و گذاخته شدند. «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» همین معنی باشد. نوش باد آن کس را که بیان این همه کرد و گفت: «كُلَّ حَرْفٍ فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ أَعْظَمَ مِنْ جَبَلٍ قَافٍ» گفت؛ هر حرفی از قرآن در لوح محفوظ عظیم‌تر از کوه قافست. این لوح خود دانی که چه باشد؟ لوح محفوظ دل بود. این قاف دانی که چیست؟ «ق وَ الْقُرْآنَ الْمَجِيدَ» باشد. (تمهیدات: ۱۷۳)

- دریغا در هر عالم از عالمهای خدا قرآن را به نامی خوانند که در آن عالم دیگر نخوانند: در پرده‌ای، قرآن را «مجید» خوانند که «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ»؛ در پرده دیگر، «مبین» خوانند که «وَ كِتَابٌ مَبِينٌ»؛ در پرده دیگر، «عظیم» خوانند «وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنْ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»؛ در پرده دیگر، «عزیز» خوانند که «وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ»؛ در عالمی دیگر، «کریم» خوانند که «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»؛ در جهانی دیگر، قرآن را «حکیم» خوانند که «آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ». قرآن را چندین هزار نام است، بسم ظاهر نتوانی شنید؛ اگر سمع درونی داری، در عالم «حم عسق» این نامها پوشیده با تو در صحرا نهند. (تمهیدات: ۱۷۴)

۲. طرحواره حجمی در حدیقه و تمهیدات

در حدیقه درک قرآن با طرحواره‌ی ظرف مربوط به مراحل ابتدایی سلوک یا هنگامی است که عارف پا به وادی سیر و سلوک نگذاشته‌است؛ زیرا از نظر سنایی ظاهر قرآن «حارس عقیده‌ی عام» است.

- از درون شمع منهج اسلام
وز برون حارس عقیده عام

(حدیقه: ۱۸۷۹)

در حدیقه ظاهر قرآن ظرف است و حقیقت آن مظلوف. عارف باید به مظلوف توجه کند نه ظرف.

حرف قرآن تو ظرف آب شمر آب می‌خور به ظرف در منگر(حدیقه:۱۹۱۵)

استعاره‌های «صدف»، «در»، «گردو و لایه های مختلف آن»، «نرگس و بوی آن» علاوه بر این که طرحواره قدرتی هستند طرحواره حجمی نیز هستند. صدف، گردو و ظرف، ظاهر قرآن هستند و در و مغز گردو نیز حقیقت قرآن هستند. این استعاره‌ها کارکرد حفاظت از مظلوف دارند یعنی ظاهر قرآن از حقیقت قرآن محافظت می‌کند، بنابراین ظاهر قرآن و باطن قرآن در حدیقه تناقض اساسی ندارند.

در تمهیدات طرحواره‌ی قدرتی و حجمی تا بالاترین مراحل عرفان کاربرد دارد. از نظر عین‌القضات قرآن در چندین هزار حجاب است. عبور از هر حجاب باعث وارد شدن به عالمی می‌شود که با طرحواره‌ی حجمی بیان می‌شود هر مقام از یک عقیده‌ی عرفانی محافظت می‌کند.

پس از آنکه عارف مانعی را در راه سلوک از میان برداشت پا به عالم و مقامی می‌گذارد و در این ظرف، معرفتی جدید کسب می‌کند. آیات قرآن هر کدام ظرفی هستند که مقامات عرفانی را نشان می‌دهند. بر اساس تحلیل شناختی ظرف بودن آیات قرآن و مظلوف بودن مقامات عرفانی در تمهیدات کارکرد حفاظتی دارد قرآن از مقامات و معرفت عرفانی حمایت می‌کند. سرو کار داشتن قاضی با کلام در دروان قبلی زندگی باعث شده که او به دنبال چیزی برای پشتیبانی و حمایت از عقاید خود باشد. از آنجا که ذکر تمام نمونه‌های طرحواره‌ی حجمی قرآن در این جا امکان پذیر نیست به ذکر چند نمونه از این طرحواره بسنده می‌کنیم.

- پس آنگاه سلوک باید کردن تا جمال این آیت روی نماید که «فَسُبْحَانَ الَّذِي بَدَّهَ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ». در این آیت جمال خالق ملکوت را ببیند، «عرف ربّه» او را روی نماید. (تمهیدات: ۶۱)

- قومی را هر لحظه در خرابات خانه «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا» شربت قهر و کفر می‌دهند؛ و قومی را در کعبه «أنا مدینه العلم و علی بابها» شربت «أبیت عند ربی» می‌دهند، «و تَقْوَاهَا» این حالت باشد. (تمهیدات: ۱۲۰)

- چون وقت باشد تو را در عالم «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» آرنده، و جمله اسرار الهی در دایره باء بسم الله و یا در میم بسم الله به تو نمایند، پس «عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» معلم تو شو. (تمهیدات: ۲۰۹)

- هرگز در «الله اکبر» که گفتی وجود ملک و ملکوت را محو دیدی؟ هرگز در تکبیر، اثبات بعد المحو دیدی؟ هرگز در «الحمد لله کثیرا» شکر کردی بر نعمت اثبات بعد المحو؟ هرگز در «سبحان الله» منزهی او دیدی؟ هرگز در «بکره» بدایت آدمیان دیدی؟ هرگز در «أصیلا» نهایت مردان دیدی؟ (تمهیدات: ۸۴)

۱-۲ طرحواره ظرف‌های کوچکتر از مظلوف

گفتیم که زندگی انسان‌ها از همان ابتدایی‌ترین دوران زندگی با تجربه‌ی ظرف و مظلوف پیوند خورده‌است؛ گاهی کودک می‌خواهد مقدار زیادی از آب را در ظرفی کوچک بریزد، اما آن ظرف گنجایش ندارد. اینگونه تجارب بدنمند به سنایی و عین‌القضات این امکان را داده‌است که از رابطه‌ی ظاهر قرآن با حقیقت قرآن سخن بگویند. جانسون به این نوع از طرحواره‌ی حجمی اشاره نکرده‌است؛ اما نمونه‌هایی از آن در حدیقه و تمهیدات وجود دارد؛ برای نمونه سنایی از استعاره‌ی «لباس» و «جان» برای اشاره به ظاهر و حقیقت قرآن استفاده می‌کند. همانطور که جان در ظرف لباس نمی‌گنجد، معنای قرآن نیز در ظرف ظاهر آن نمی‌گنجد و فراتر از آن است.

- لفظ قرآن ز معنی قرآن همچنانست کز لباس تو جان (حدیقه: ۱۹۲۱)

در این بیت لباس لفظ قرآن است که در ظاهر جان را مظلوف خود قرار داده؛ اما در حقیقت از آن بزرگتر است.

- حرف او گرچه خوب و منقوش است کوه از او همچو عهن منقوش است (حدیقه: ۱۹۲۴)

در این بیت کوه می‌خواهد ظرفی برای پذیرش حروف قرآن باشد، اما چون گنجایش آن را ندارد از هم می‌پاشد.

- دریغا بر راه سالک مقامی باشد که چون بدان مقام رسد بداند که همه قرآن در نقطه‌ی باء بسم الله است، و یا در

نقطه‌ی میم بسم الله است؛ و همه موجودات در نقطه باء بسم الله ببند. (تمهیدات: ۱۷۲)

قرارداشتن همه موجودات در یک نقطه از تجربه واقع شدن مظروفی بزرگ در ظرفی کوچک سرچشمه می‌گیرد.

۲-۲ طرحواره حجم‌های مانع شونده

این نوع طرحواره ترکیبی از طرحواره حجمی و قدرتی است. یعنی گاهی یک ظرف یک مظروف را در بر گرفته‌است، اما برای پیشروی در راه سلوک باید آن ظرف را از میان برداشت تا به مظروف آن دست یافت. همان‌طور که گفتیم سنایی قرآن را برای عارف مبتدی ظرف می‌داند که از عقاید او محافظت می‌کند؛ اما در مراحل بالاتر همین ظرف مانع است. این طرحواره تجلی همین عقیده سنایی است.

- صدف آمد حروف و قرآن در نشود مائل صدف دل حر

(حدیقه: ۱۹۲۳)

- مغز و در زان به دست نوردی که به گرد صدف همی گردی

زین صدف‌های هرزه دست بدار در صافی ز قعر بحر درآر

(حدیقه: ۱۹۵۱)

نتیجه‌گیری

از تحلیل و بررسی طرحواره‌های قدرتی مشخص می‌شود که مانع ظاهر قرآن در هر دو اثر از بزرگترین موانع سیر و سلوک است. با این تفاوت که در حدیقه، ظاهر قرآن در ابتدا برای عارف نمود حجمی دارد که از شرع و عقاید عام محافظت می‌کند. کارکرد بعدی این طرحواره در این مرحله، نفی مقوله‌های خارج از ظرف است؛ یعنی هر چیزی که خارج از ظرف قرآن باشد درون ظرفی نامناسب قرار گرفته‌است. پس از پیشروی در راه سیر و سلوک عارف به ظاهر قرآن همچون مانعی برای درک حقیقت می‌نگرد؛ بنابراین طرحواره‌ی قدرتی کاربرد می‌یابد. از نظر سنایی هنگامی که عارف در راه سیر و سلوک پیش می‌رود از درک معانی قرآن در ظرف حروف آن دور می‌شوند. این دورشدن با بی‌توجهی و ننگریستن به حروف شروع می‌شود و با درک حقیقت قرآن به پایان می‌رسد. در تمهیدات از همان ابتدای سلوک عارف ظاهر قرآن را کنار بگذارد و با تغییر مسیر یا عبور از موانع چندگانه معانی را در بافتی کاملاً عرفانی و برخاسته از ذوق شخصی درک می‌کند. در تمهیدات، آیات قرآن ظرفی هستند که کارکرد حفاظت از عقاید عرفانی عین‌القضات را دارند.

در ارتباط با مقوله‌ی قرآن، کاربرد طرحواره حجمی در تمهیدات نسبت به حدیقه بیشتر است؛ زیرا عین‌القضات عارفی تندرست و سخنانی می‌گوید که با ظاهر شریعت در تضاد است. او قرآن را ظرفی برای توجیه و حفاظت از عقاید خود می‌بیند؛ در مقابل بسامد طرحواره قدرتی حروف قرآن در حدیقه بیشتر است. سنایی هم عارف است و هم منتقد اجتماعی. او در اثنای بیان مطالب عرفانی نقبی هم به جامعه و او ضاعش می‌زند؛ مردمی که گرفتار فساد و تعصب دینی شده‌اند و در بند صنعت قاری و بانگ قرآن مانده‌اند و از حقیقت آن غافل شده‌اند. سنایی با برشمردن موانع فهم قرآن خواهان توجه به حقیقت قرآن و بهره‌گیری از حقیقت آن است.

در عصری که سنایی و عین‌القضات می‌زیستند هر فرقه‌ای برای اثبات عقیده‌ی خود تفسیری می‌نوید و هر دسته از علما تلاش می‌کردند قرآن را از چشم خود ببینند و آن را به پندار خود تفسیر و گزارش کنند، نحوی از جهت قواعد نحو، اخباری از جهت قصص و اخبار و صوفی از لحاظ تصوف. (صفا، ۱۳۶۹: ۲۵۴) در این شرایط عین‌القضات و سنایی نیز توصیه می‌کنند عارف برای فهم قرآن مسیر خود را تغییر دهد و وارد راه عرفان شود. سنایی برای فهم باطن قرآن تزکیه و فنا را پیشنهاد می‌دهد که هر دو دال‌های عرفان هستند عین‌القضات نیز، آیات قرآن را خارج از بافت خود در شرع تفسیر می‌کند؛ بنابراین در هر دو اثر، معنای قرآن تا هنگامی که خارج از مسیر عرفان باشد، حجاب است؛ اما هنگامی که عارف تغییر مسیر می‌دهد و قرآن را در بافت عرفانی درک می‌کند، دیگر قرآن حجاب نخواهد بود؛ بلکه کارکرد معرفت‌بخشی خواهد داشت. نگاهی به تمهیدات درستی این مطلب را آشکار خواهد کرد؛ زیرا در سر تا سر تمهیدات عین‌القضات آیات قرآنی را در بافت عرفانی مطرح می‌کند و آیات را وارد گفتمان عرفانی می‌کند. تاویل آیات قرآن در تمهیدات با عناصری خارج از گفتمان شرع صورت می‌گیرد تا آنجا که

تاویل برخی آیات در این کتاب با ظاهر شرع منافات دارد و تنها با منطق عرفان سازگار است.^۱ این نگاه در عین‌القضات تا حدی تحت تاثیر شیخ برکه است؛ زیرا عین‌القضات معتقد است «شیخ برکه، نه تفسیر خوانده بود و نه عربی می دانست؛ اما بهتر از مفسران عربی دان به اسرار و معانی قرآن واقف بود. او معتقد است برکه بر اثر سیر و سلوک و تزکیه نفس و تهذیب اخلاق، اهلیت قرآن را به دست آورده و با حقیقت و باطن قرآن آشنا شده است.» (پورجوادی، ۱۳۷۴: ۱۱۰)

اگر طرحواره حجمی را در حدیقه و تمهیدات مقایسه کنیم به دو گزاره‌ی مهم دست می‌یابیم: نخست اینکه در حدیقه ظاهر قرآن ظرف است و حقیقت قرآن مظلوف آن. گزاره‌ی دوم این است که در تمهیدات حقیقت قرآن ظرفی است که مقامات عرفانی را دربر گرفته‌است. از سوی دیگر گفتیم که طرحواره‌ی حجمی پیامدهایی دارد که به آن اشاره کردیم. از جمع این دو گزاره با پیامدهای طرحواره‌ی حجمی نتایج زیر حاصل می‌شود:

در حدیقه ظاهر قرآن از حقیقت آن محافظت می‌کند و آن را در بر می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان پی برد که در ژرف ساخت ذهن سنایی بین ظاهر قرآن و حقیقت آن تناقض اساسی وجود ندارد؛ اما عین‌القضات با شیوه‌ی تاویلی خاص خود گاهی معنایی از قرآن بیان می‌کند که با ظاهر آن در تضاد است. او با منفصل کردن آیات متصل بر جدایی لفظ از حقیقت قرآن تاکید و ارتباط دال و مدلول را قطع می‌کند و معنایی خلاف ظاهر آیات به دست می‌دهد. - ای عزیز در این عالم که گفتم، حروف متصل جمله منفصل گردد که آنجا خلق خوانند **يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ** پندارن که متصل است؛ چون خود را از پرده بدر آرد، و جمال خود در حروف منفصل بر دیده او عرض کنند، همچنین باشد: ی، ح، ب، ه، م؛ اگر مبتدی باشد، چون پاره‌ای برسد حروف همه نقطه گردد. (تمهیدات: ۱۷۵)

در تمهیدات حقیقت قرآن از مقامات عرفانی محافظت می‌کند. بنابراین از نظر عین‌القضات عمل به قرآن، پیشروی در راه سیر و سلوک و کسب معرفت در آن است.

دومین نتیجه مربوط به محدود و مقید کردن یا قابل دسترس کردن مظلوف است. از توجه به دو گزاره‌ی بالا این نتیجه به دست می‌آید که سنایی قصد محدود و مقید کردن معنا و حقیقت قرآن را دارد. عین‌القضات از آنجا که تمهیدات را خطاب به اهل دل نوشته‌است با محدود کردن مقامات عرفانی قصد دارد آنها را دسترس پذیر و قابل فهم کند.

هر دو عارف از طرحواره‌ی نوع دوم و انواع فرعی آن (تغییر مسیر و گذر از موانع چندلایه) برای بیان مانع بودن ظاهر قرآن استفاده می‌کنند. استفاده نکردن از طرحواره نوع اول به این معناست که از نظر آنان مانع لفظ قرآن، غیر قابل عبور نیست و نمی‌تواند باعث توقف عارف شود؛ بلکه عارف با تغییر مسیر راهی به شناخت آن می‌یابد. آنان مانع ظاهر قرآن را از نوع موانعی که باید کاملاً از راه سیر و سلوک کنار برود (نوع سوم) هم نمی‌دانند و به مناسبت از ظاهر قرآن استفاده می‌کنند؛ همچنان که عین‌القضات با الهام از ظاهر قرآن تفسیری عرفانی و البته خلاف ظاهر از قرآن می‌کند.

در این پژوهش به وجود دو نوع جدید از طرحواره‌ی حجمی «ظرف کوچکتر از مظلوف» و «ظرف‌های مانع شونده» پی بردیم. همچنین نوع خاصی از طرحواره‌ی قدرتی را یافتیم که نام آن را «طرحواره‌ی عبور از موانع چندگانه» نهادیم که بیانگر نگاه نو و تازه این دو عارف به پدیده‌هاست.

کتابنامه
۱- قرآن کریم

^۱ - برای درک بهتر شیوه‌ی تاویل قرآن رجوع شود به «میرزایی نرجس خاتون، نوروز پور لیلیا، (۱۳۹۷) تاویل قرآن در تمهیدات، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۵۳. از ۳۲۱ - ۳۵۴»

- ۲- احمدی، جمال؛ (۱۳۹۰) *بررسی اندیشه‌ی سنایی در مورد کلام الهی*، فصلنامه علمی-پژوهشی کاوش نامه، سال دوازدهم، شماره ۲۲
- ۳- پورجوادی، نصرالله، *عین‌القضات و استادان او*، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۴
- ۴- جانسون، مارک. بدن در ذهن؛ *مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال*. چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه. ۱۳۹۷
- ۵- سنایی، مجدود بن آدم. *حدیقه‌الحقیقه*. تصحیح: سید مهدی زرقانی، محمد جعفر یاحقی، تهران: نشر سخن، ۱۳۹۷
- ۶- صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ چهارم، تهران: نشر فردوس، ۱۳۶۹
- ۷- صفوی، کوروش، (۱۳۸۳) *درآمدی بر معنی‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۳
- ۸- کلانتری، ابراهیم، (۱۳۸۲). *ظهور و بطن قرآن کریم*، قیسات، صفحات ۲۴۹-۲۶۶
- ۹- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳). *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*، مترجم: ناصر طباطبایی، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۳
- ۱۰- همدانی، عین‌القضات، (۱۳۴۱). *تمهیدات*، تصحیح: عقیف عسیران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱
- منابع لاتین

- 1- Cognitive Linguistic: An Introduction. (Evans Vyvyans. Green Melanie. (2006)-
2- Rene Dirven Ronald W. Langacker john R.Taylor. (2005). *Cognitive Linguistics Reasearch*.
Germany



پایگاه استنادی علوم جهان اسلام



دانشگاه تربیت مدرس



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

دهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir